سر اومد زمستون، شکفته بهارون
گل سرخ خورشید باز اومد و شب شد گریزون

کوه‌ها لاله‌زارن، لاله‌ها بیدارن
تو کوه‌ها دارن گل گل گل آفتابو می‌کارن

توی کوهستون، دلش بیداره
تفنگ و گل و گندم، داره می‌آره
توی سینه‌اش جان جان جان
یه جنگل ستاره داره، جان جان، یه جنگل ستاره داره

سر اومد زمستون، شکفته بهارون
گل سرخ خورشید باز اومد و شب شد گریزون

لبش خنده نور، دلش شعله شور
صداش چشمه و یادش آهوی جنگل دور